

آقای گی ژوگل گرامی، مسئول بخش اروپائی و بین‌المللی "ث ژ ت"

از صمیم قلب از شما، که پشتیبانی "ث ژ ت" و کارگران فرانسه را نسبت به من و دوستانم اعلام کرده‌اید، سپاسگزارم و از تاخیر جواب پوزش می‌طلبم.

ما کارگران ایران در شرایط سختی بسر می‌بریم. من طبق ضرب‌المثل فارسی «مشت نمونه خروار است» آنچه را که از اول مه ۲۰۰۴ بر من و دوستانم و خانواده‌هایمان گذشت را برایتان نقل می‌کنم تا تاکید مشددی باشد بر نکات واقعی و مهمی که شما در نامه مورخ ۲۱ ژوئن ۲۰۰۴ ذکر کرده‌اید. پیشاپیش از اینکه نامه‌ام طولانی می‌شود عذر می‌خواهم.

روز کارگر در ایران ۱۱ اردیبهشت تعیین شده است. در تقویم ایران روز جهانی کارگر در سه سال برابر با اول ماه می است و سال چهارم برابر می‌شود با ۱۳۰م آوریل. کارگران برابری طلب در ایران از همان دهه ۸۰ میلادی که بحث قانون کار مطرح شد تایید کردند که روز کارگر روزی همبستگی جهانی طبقه ماست و در قانون باید نوشته شود: «اول ماه می، روز جهانی کارگر.» طبقه حاکمه ایران حرف خود را پیش برد، ولی ما کارگران برابری طلب همیشه همراه با همبسته‌هایمان در سراسر جهان مراسم بزرگداشت روز خود را برگزار کرده‌ایم. امسال روز همبستگی جهانی ما بر طبق تقویم ایران ۱۲ اردیبهشت بود و به همین بهانه به کمیته اول ماه مه، که من سخنگویش بودم، بعد از چندین جلسه با مقامات رسمی، اجازه برگزاری مراسم داده نشد. کمیته اعلام کرد که بزرگداشت روز کارگر احتیاجی به مجوز ندارد و ما بر اساس تدارک قبلی بطرف یکی از پارکهای شهر سقر، از شهرهای کردستان، راه افتادیم. اما به محل مراسم نرسیده مورد هجوم بیرحمانه نیروهای مسلح به باتون و اسلحه گرم قرار گرفتیم. من را مضروب و همراه ۴۹ شرکت کننده دیگر دستگیر کردند. من از مهاجمین پرسیدم که بچه دلیل مغولوار بما حمله کرده‌اند گفتند که تجمع غیر قانونی کرده‌ایم. در زندان من و ۶ نفر دیگر را نگه داشتند که عبارتند از محمد عبدی پور، برهان دیوانگرد، جلال حسینی، هادی تنومند، اسماعیل خودکام، محسن حکیمی. در اینجا نیز از مسئولین خواستیم که طبق قانون علت بازداشت را به اطلاع ما برسانند. دوباره به ما گفته شد که تجمع غیر قانونی کرده‌ایم. یک کمپین گسترده در داخل و خارج به پشتیبانی از ما پا گرفت و خود ما نیز در زندان دست به اعتصاب غذا زدیم. کل این تلاشها بعد از ده روز موجب آزادیمان از زندان بقید ضمانت گردید. وجه الزمانی که برای من تعیین گردید برابر با ۱۵۵ سال حداقل دستمزد یک کارگر است. اکنون هر هفت نفر ما نامه‌های احضاریه‌ای دادگاه را دریافت کرده‌ایم و اتهام ما در آنها سمپاتی‌زاسیون با کومه‌له که یکی از تشکیلاتهای اپوزیسیون است ذکر شده که خودشان طبق قانون، غیر قانونی و الحادی اعلامش کرده‌اند. مقامات قضائی که دیدند بار اول اتهامشان به معنی نقض حق تجمع کارگران برای برگزاری اول ماه مه است و عکس العمل سریع و گسترده جنبش جهانی کارگری را برانگیخت، این ترفند را زده‌اند تا شاید بتوانند ما را از پشتیبانی تشکیلاتی کارگری محروم کنند. البته این بار هم مقامات دچار اشتباه دیگری گردیده‌اند. این بار می‌خواهند ما را تفتیش عقاید کنند. البته هواداری از یک تشکیلات سیاسی که در نامه خطاب بما «الحادی» خوانده شده در جمهوری اسلامی میتواند دستاویزی قرار گیرد تا مجازاتهای سنگین به ما تحمیل کنند.

این فقط یک نمونه از فشارهاییست که علیه ما کارگران روا میشود. من تا کنون سه‌بار به خاطر دفاع از بهبود شرایط کار، زندگی و حقوق انسانی کارگران زندانی شده و خانه و تلفن و رفت و آمد خود و اعضای خانواده‌ام تحت نظر بوده و هستیم. من شخصاً در لیست سیاه خبازان قرار دارم و علیرغم سالها تجربه هیچ صاحب نانوایانی بمن کار نمیدهد. در انجمن صنفی کارگران خباز که خود از بنیانگزارانش بودم حق کاندید شدن ندارم. بقیه رفقایم نیز در لیست سیاه قرار دارند.

امروزه از ۱۴ میلیون کارگر در ایران نصف بیشتر یا بیکار مطلقند و یا بیکار پنهانند. کارگران شاغل در بعضی رشته‌ها نظیر نساجیها در واقع مجانی کار میکنند به این امید که بیکار نشوند و روزی دستمزدشان پرداخت شود. اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده که گاه بیش از یکسال است، حادثه‌ای روزانه در ایران میباشد. هزاران خانواده کارگری بدلیل بیکاری و عدم پرداخت دستمزد از هم پاشیده و این حادثه دردناکی است که هر روز جریان دارد. کودکان پسر و دختر این کارگران تحت عنوان کودکان خیابانی یک معضل عظیم در این کشور است. میلیونها کارگر کارگاهها با تصویب مجلس از شمول قانون کار خارج شده‌اند. مدیران دولتی و صاحبان سرمایه شاغلین در کارخانهها و کارگاههای را بطریق دیگری از مشمولیت قانون کار محروم کرده و میکنند. چون طبق قانون کارگر بعد از سه ماه می تواند به استخدام رسمی در بیاید و از مزایای بیمه و غیره استفاده کند. امروزه بیش از نیم میلیون کارگر در ایران سالهاست کار میکنند و همچنان موقت هستند. چطور؟ کارگر بعد از ۸۹ روز اخراج می شود و مجدداً استخدام میگردد. امروز یک کارگر شاغل خودش مثلاً در کارخانه برقکار است و شب در ساختمانها سیم‌کشی میکند. پسرش در خیابان نایلون می‌فروشد و دختر و یا همسرش احتمالاً قالی می‌بافد و یا کارگر خانگیست. فقط به این ترتیب کرایه کمر شکن مسکن و معاش خانواده تامین شود. به همه اینها باید بی حقوقی سیاسی را اضافه کرد که یک نمونه‌اش دامن ما را گرفته و در بالا مختصراً تشریح شد. اکنون من، محسن حکیمی، هادی تنومند و اسماعیل خودکام در دوم شهریور و محمد عبدی پور، جلال حسینی و برهان دیوانگرد در سوم شهریور باید در دادگاه محاکمه و در واقع تفتیش عقاید شویم. من از شما، بعنوان بخش اروپائی و بین‌المللی "ث ژ ت" برای خودم و دوستانم تقاضای همبستگی مستمر و کمک دارم. ما به وکلای مدافع مجرب و کمکهای مادی و معنوی احتیاج داریم. در میان ما کارگران فرانسه به رزمندگی مشهورند. پشتیبانی شما ما را در ادامه مبارزه بر حقمان راسختر میکند.

با احترام فراوان

محمود صالحی از فعالان حقوق کارگری در ایران

۲۴ تیرماه ۱۳۸۳ - ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۴